

سرمقاله

✱ ملت ایران در مسیر رشد و بلوغ تمدنی خود، هر روز صحنه‌ای نو و الهام‌بخش از ایستادگی، ایمان و فداکاری خلق می‌کند. این ملت گاه در دفاع از خاک وطن، گاه در حمایت از مظلومان عالم - از فلسطین تا لبنان - نشان داده که آمادگی ایثار دارد؛ از جان، از مال و از هستی خویش. این روحیه برخاسته از ریشه‌ای تاریخی و معنوی است: از سابقه تمدنی چند هزار ساله، از معارف اسلام، و از آموزه‌های بلند اهل بیت (ع).

تاریخ ایران گواهی روشن بر این حقیقت است. آن گاه که در جنگ‌های ایران و روس، علمای شیعه فتوای جهاد دادند، مردمی که مشغول کشاورزی و دامداری بودند، ابزار کار را زمین گذاشتند و به جبهه آمدند. تنها در آذربایجان، صد هزار نیروی مردمی به صفوف دفاع از میهن پیوستند. این همان بسیج مردمی است که در طول تاریخ، هرگاه ایران تهدید شده، بی‌دعوت و بی‌اجبار به میدان آمده است؛ آزموده، کارآزموده، و دل بسته به ایران و ایمان.

در دوره قاجار، همین نیرو بود که با شعارهای عاشورایی، سرزمین‌های از دست‌رفته را از چنگ امپراتوری روسیه پس گرفت. صحنه‌ای که در گنجه تکرار شد، نشانه‌ای آشکار از این پیوند میان عاشورا و دفاع از وطن بود. در شب عاشورا، گنجه سقوط کرد؛ اما یک سال بعد، با اشک‌های محرمی و غیرت عاشورایی، گنجه آزاد شد. هرچند در آن دوره و در ادامه ایران شکست‌های تلخی خورد که البته ارتباطی به مردم نداشت و علت آن را باید در مسائل دیگری جست که فراتر از این مجال است. بهرحال این مقاومت‌های مردمی و سرافرازانه، حکایت تکرارشونده‌ی تاریخ مردم ماست؛ از صفویه تا قاجار و از انقلاب اسلامی تا دفاع مقدس.

امادر دوره پهلوی، به دستور انگلستان، این ظرفیت عظیم مردم پایه تضعیف شد. ارتشی کلاسیک ساختند و مردم را از میدان نظامی دور کردند؛ نه برای تقویت کشور، که برای سرکوب نیروهای مردمی. عشایر و ایلات را بمباران کردند تا روح مقاومت را در نطفه خفه کنند. اما نتوانستند.

روشنفکران وابسته در عصر قاجار و سپس حکومت پهلوی، تلاش کردند میان ایمان و میهن‌دوستی شکاف بیندازند. اما مردم ایران هرگز میان «عاشورا» و «ایران» مرزی نگشیدند. این سرزمین را ظرفی برای ایمان و آرمان‌های عدالت‌خواهانه‌ی خود می‌دانند؛ سرزمینی که هم خانه‌ی نیاکانشان است، هم مهد ایمانشان. همین پیوند است که هرروز، ملت ایران را به خلق صحنه‌ای تازه از عزت و شکوه فرامی‌خواند... ✱

تاریخ گواه ماست

عکس: تهران؛ امسال؛ عزاداری محرم ۱۴۴۷

ایرانی کم‌نمیاره

لباس ماموریت

خانه چهل‌متری‌اش همیشه پر از پارچه و سوزن و نخ و پولک و منجوق بود. لباس عروس و کت‌دامن و مانتو می‌دوخت. دستش هم خیلی تمیز بود و مشتری‌اش زیاد. خیلی وقتها موقع حرف زدن لهجه گلپایگانی‌اش میزد بیرون. شنیده بودم با دو پسرش زندگی می‌کند و به سختی آنها را بزرگ کرده. با شروع جنگ می‌توانست مثل دکترها توی یکی دو روز برای مشتری‌هایش نوبت بگذارد و تندتوند لباس‌ها را تحویل بدهد و برود.

می‌توانست خانه و شهر را بگذارد و با پسرهایش برود روستا؛ کباب و دوغ گلپایگان بر بدن بزند و تابستان را با آرامش و لبخند برای خانواده شروع کند. ولی ماند و سر صبر، کار مشتری‌هایش را راه انداخت. روز تحویل حتی نپرسید مراسماتان سرجایش هست یا کنسل شده. با حوصله، ایرادات ریز و نهایی را با کوک‌زدن و شکافتن و چرخ خیاطی، اصلاح کرد. با دقتی که احساس کردم خودش را در مهمترین مأموریت جنگی کشور تصور کرده.

لباس را که پوشیدم به جای مهمانی رفتم، هوس مبارزه کرده بودم. فقط باید زودتر سنگرم را پیدا می‌کردم.

فاطمه شایان پویا

پیام صوتی یک بانوی هموطن خطاب به نیروهای مسلح ایران:

با عرض سلام و ادب خدمت تمام نیروهای مسلح ایران عزیزان، جا دارد یک خسته نباشید حسابی به شما بگویم بابت این همه شجاعت و مردانگی که برای دفاع از ایران خرج کردید. مطمئن باشید که همه ما ملت ایران از هر قشر و گروهی، با تفاوت عقاید، پوشش‌ها و همه این‌ها، پشت نیروهای مسلح مان هستیم و تنهاشان نمی‌گذاریم و قطعاً و حتماً پیروز این نبرد ما هستیم. الله اکبر؛ این صدای ملت ایران است.

این صدای ملت ایران است



فارسی | KHAMENEI.IR
@Khamenei_fa



ملت ایران، مظلوم است،

اما قوی است، مثل امیرالمؤمنین، که هم قوی‌ترین بود و هم مظلوم‌ترین.

یک ایران، همدل است



همدلی کودکانه

ایران نفرت و انزجار از

رژیم کودک‌کش اسرائیل

بازبان نقاشی

این شماره روزنامه تقدیم میشود به

شهید حمید رنجبری

